

# کاخ شکوهمند تخت جمشید

دکتر جمشید صداقت کیس  
ایران شناس و فارس پژوه  
قسمت هشتم

## پیکره ها و نگاره ها

در بخش هفتم این نوشته ها از زیره تراش و نرمه تراش بحث کردیم. حالا در این قسمت می گویم پیکره ها و نگاره های تخت جمشید شامل پنج نوع پیکره می باشد شامل: گاو، شیر، هما، گویت (گاو با بال عقاب یا هما) و سگ.

نقش برجسته شاه یا شاهزادگان و نیز شاه بر صندلی هم در تخت جمشید وجود دارد.

## طرح های نقوش

در حال حاضر کلا ۲۱۷۵ نقش بزرگ و کوچک در تخت جمشید وجود دارد که شامل طرح های گوناگون و ساده می باشد. اما از تعداد نقش ها هنگام آبادانی این کاخ شکوهمند هیچگونه اطلاعی نداریم. احتمالاً چند برابر رقم بالا بوده است.

## حجاری نقش ها

گمان بر این می برم که هر نقش را روی پوست نازک حیوانات با رنگ می کشیده اند مثلاً "چهره آدمی سپس این نقش را سوزن کاری می کرده اند بدین صورت که روی هر خط سوزن را فرو می کرده اند تا از سوی دیگر چرم بیرون بیاید و این عمل را دو میلی متر به دو میلی متر تکرار می کرده اند. پس از آن که تمامی نقش، سوزن کاری می شد، روی کار می گذاشتند، دو سه کارگر آن را محکم می گرفتند و استاد حجار با پارچه ای که به گل اخرا یا رنگ دیگری آلوده می کرد روی نقش می زد تا رنگ از داخل سوراخها به روی سنگ مورد نظر نقش بیند. بعد پوست را کنار می گذاشتند و حجار کار حجاری آن نقش را انجام می داد. حالا این سوال مطرح می شود که چرا چرم نازک تیماج مانند؟ برای اینکه کاغذ در ۱۱۰۰ میلادی اختراع می شود و ساخت تخت جمشید در ۱۴۱۲ سال پیش از آن انجام می شود. نکته حائز اهمیت آن که تمام نقوش ظاهراً با هم برابر و یکسان هستند و در این تردیدی نیست که دارای نقشه ای (همان الگوی چرم) یکسانی بوده اند. اما لازم است مطلبی را مطرح کنم: در جمله بالا واژه «ظاهراً» را بدین سبب به کار بردیم که اگر با تمام دقت صورت های دو سرباز مادی یا پارسی را تماشا کنید متوجه می شوید که در جعد (فر) موهای ریش یا سر آنها اندکی اختلاف ریز وجود دارد.

## مدت زمان برای ایجاد هر نقش

حجاری هر نقش بستگی به بزرگی و کوچکی و یا شخصیتی که در نقش مستتر است دارد. نقش هر سر بسته به کار از یک تا سه هفته، مثلاً سر پادشاه (در اینجا داریوش یا خشایار شاه) سه هفته طول می کشیده است. اصولاً عمل حجاری روی نقش های پادشاهان به دلیل دقت بیشتر، وقت بیشتری را می طلبید. بنابراین اوج هنر حجاری تخت جمشید روی نقوش پادشاهان است. پس از آن اوج هنر حجاری روی نقش نبرد شیر و گاو می باشد که اگر شما اجازه داشته باشید و دست روی بدن شیر بمالید احساس می کنید بسیار صاف و مانند حریر است.

## بیشترین نقش تکراری

بیشترین نقشی که در تخت جمشید تکرار شده است، نقش گل نیلوفر یا لوتوس می باشد که اکثریت این نقش ها ۱۲ پر می باشند اما در تخت جمشید، یکی ۱۳ پر، یکی ۱۴ پر و یکی ۱۷ پر هم وجود دارد. البته اظهار نظر شده که این نقش گل نیلوفر، نقش خورشید و مهر پرستی (میترا نیسم) می باشد. نظریه دیگری هم وجود دارد که علامت هخامنشیان بوده است. گرچه این دو نظریه می باشد ولی این ۱۳ پر، ۱۴ پر و ۱۷ پر هر سه با هر دو

نظریه هم خوانی ندارد چه اگر علامت مهرپرستی را بپذیریم علامت مقدسی بوده است و نمی تواند گونه گون باشد و اگر نماد پادشاهی هخامنشیان بوده است که متفاوت بودن تعداد گلبرگ های گل لوتوس نوعی بی احترامی نسبت به پادشاهان هخامنشی محسوب می شده است بنابراین این راز هنوز ناشکفته مانده است.

ضمناً در سال ۱۳۴۹ دیوید استرو ناخ، باستان شناس، در بالای در ورودی ساختمان آرامگاه کوروش دایره ای کشف کرد که گل لوتوس ۱۲ پر در وسط آن دیده می شود. من شکل این دایره را که از منحنی های زیادی درست شده است در کتاب آرامگاه کوروش (تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۰، ص ۳۹) آورده ام. بنابراین نقش گل لوتوس در زمان کوروش بزرگ هم مورد توجه بوده است.

## علم مناظر و مرایا

تا زمان ساخت تخت جمشید هنوز در جهان علم مناظر و مرایا کشف نشده بود. این موضوع منحصر به تخت جمشید نیست بلکه در نقاشی ها و نقوش حجاری مصر هم همین حالت را دارد.

مثالی بزنم: شما اگر در جایی در تخت جمشید بایستید که نقشهای سربازان پارسی باشند و به صورت آنها نگاه کنید، می بینید این سربازان در حال رفتن به سوی شرق هستند بنابراین چشمان آنها هم بایستی به سوی شرق نگاه کند، چون شما نیم رخ سربازان را می بینید نه تمام رخ آنها را اما چشمان آن سربازان به صورت کامل مانند چشمان صورت تمام رخ و به سوی شمال حجاری شده است و این نقص تخت جمشید نیست بلکه این موضوع مربوط به علم مناظر و مرایا است که کشف نشده بوده است.

## رنگ آمیزی

تمامی نقش های تخت جمشید رنگ آمیزی بوده است. هنوز آثاری از رنگها در لای انگشتان پای سربازان و غیره دیده می شود که باستان شناسان به این نکته پی برده اند. حال در تصور خود تخت جمشید رنگین را در نظر بیآورید!

البته سایر جاهای تخت جمشید رنگ آمیزی بوده است از جمله کف کاخ تخت جمشید، قسمتی از این کف در ایوان جلو موزه یا حرمسرا هنوز باقی مانده که روی آن را پوشانده اند و دو دریاچه با شیشه برای نگاه کردن کف وجود دارد. رنگ این قسمت کف مانند رنگ گل اخرا می باشد و هنوز هیچ شیمیادانی روی این رنگ کار نکرده است.

## تزیینات نقش ها

با بررسی باستان شناسانه نقش های کاخ جمشید می بینیم که روی لباس و کلاه نقش ها جای سوزن، سوراخ شده و این مشخص است که این نقوش با جواهرات تزیین شده بوده اند و با سوزن به نقش ها نصب شده بوده است. البته تردیدی نداریم که جواهرات داریوش بزرگ و سرباز پارسی تفاوت می کرده است. جواهرات پادشاه بایستی زیادتر و درخشان تر و بزرگتر بوده باشد به ویژه تاج پادشاهی.

غیر از طلا و نقره که می دانیم به کار برده اند دقیقاً نمی دانیم از چه نوع سنگهای قیمتی برای پادشاه به کار رفته است.

## سنگ نبشته ها

در تمامی تخت جمشید کنونی ۱۶ سنگ نبشته از دوره هخامنشیان وجود دارد که گسترده ترین بزرگترین آنها ۲ متر ۸۷ سانتی متر می باشد. از دوره ساسانیان هم یک کتیبه در تخت جمشید وجود دارد که متن آن چنین است که سکان شاه، پادشاه سگستان (یعنی سیستان) به تخت جمشید

رفته و در آنجا نان و پنیر خورده است. تمامی کتیبه های هخامنشی به سربازان عیلامی، بابلی، میخی پارسی مه در مورد این سنگ نبشته ها بگویم: یکی این که بیشتر متن آنها درباره داریوش بزرگ و کارهایش می باشد که ما در جایی دیگر درباره آنها بحث خواهیم کرد و نکته دیگر آن که شاردن، سیاح مشهور دوره صفوی که به اتفاق سه سیاح دیگر تاورنیه، دلند، و تونو همزمان در سال ۱۰۶۴ ق. در کاخ تخت جمشید بوده است کتابی دارد تحت عنوان: شرح سفر از اصفهان به بندر عباس و بر عکس - این کتاب هنوز به فارسی ترجمه نشده است.

وی در این کتاب که به زبان فرانسه است تمام نقش ها را بررسی کرده، نقاشی کرده - البته نقاش همراه داشته است و نظر نسبت به تک تک نقش ها داده است. مسئله ای که شاردن در کتابش مطرح کرده است که من در هیچ کتابی ندیده ام و تردیدی نیست که مشاهدات وی واقعیت داشته است و این است که وی می نویسد هنوز آثار طلا در کتیبه های تخت جمشید دیده می شود. شک نداریم که در طی این ۳۶۶ سال که از دیدار شاردن از این کاخ می گذرد، رندان نا بخرد طلاها را با چاقو تراشیده اند. اما دلیل واقعیت این امر چیست؟ وقتی تمام نقش های کاخ تخت جمشید رنگ آمیزی شده باشد جواهرات داشته باشد و بخواهند شکوه کاخ تخت جمشید و پادشاهی داریوش بزرگ را نشان دهند بایستی حروف سنگ نبشته ها هم پر از طلا باشد.

من پس از خواندن متن کتاب شاردن که یک نسخه هم بیشتر در ایران نیست مدت ها فکر کردم که چگونه چنین کاری را توانسته اند انجام دهند. سرانجام بدین نتیجه رسیدم که با انگشت کمی گچ ترا بسیار ماهرانه تا ۷۵ در بلندی یک حرف می مالیده اند به گونه ای که گچ درون حرف نرود و سپس طلای ذوب شده را با ظرف ویژه ای از بالای گچ داخل حرف می ریخته اند تا پر می شده است. پس از سرد شدن طلای داخل حرف، گچ را می کنده اند و طلا را با سطح سنگ تماس می کرده اند و اضافات آن را می تراشیده اند.

ادامه دارد...

